



۲۰۱۸/۰۱/۲۰

ولی احمد نوری

افغان هویت ملی ما بوده و قابل مناقشه نیست!!!

بخش اول

بلی! ما که در یک ساحه جغرافیای تاریخی دستکم از سال (۱۷۴۷) به نام افغانستان در صلح و آرامش زندگی کرده و اکنون هم بر اساس توافق نمایندگان همه اقوام باشند این سر زمین دارای یک قانون اساسی و دولت واحد هستیم و تذکره هویت و یا پاسپورت ملیت افغان را در دست داریم و تمام دول جهان بر وفق آن مارا به رسمیت می شناسند. بنابر آن جای باقی نمی ماند که هر فردی زیر نام هر قوم و قبیله در تخته مشقی به نام فیسبوک و اینجا و آنجای از بی هویتی خود داد سخن سردهیم. البته پیش از قوم بودن و افغان شدن، ما همه انسانیم و اگر پذیرفته ایم که افغانیم چیزی از هویت و شخصیت خود را از دست نداده ایم بلکه بسی افتخار را شامل حال و هویت خود نموده ایم.

دیشب دقایقی چند را به بازار سرچوک (فیس بوک) رفتم و چیزهای خوب و بدی را مرور کردم. از چیزهای خوب حظ بردم و آموختم و از نوشته های بد و بیراه مخصوصاً در باره وطن، زبان و هویت ملی افغانستان که افغان هستیم ولی متأسفانه کسانی از بی هویتی سخن گفته اند رنجیدم و شرمیدم. زیرا بسی چیزهای نا روا را در پیام های فیس بوک زیر عنوان [[اعتراض در برابر هویت جعلی افغان]] دیدم که از طرف یک فرزند ناآگاه و مخالف وحدت ملی، و ملت افغانستان رقم شده بود، و از طرف تعدادی از افغان های همین جنس که در بالا معرفی کردم یعنی افغان های بی هویت و یا از جنس دیگر، به اصطلاح فیس بوکی ها بیشتر مانده (لایک) هم شده بود و برای این نوشته به اصطلاح چک چک هم کرده بودند که نمی خواهم از آنها نام ببرم.

هنوز درد این تصادف تازه بود که با خواندن خبری در بخش دری سایت بی. بی. سی. زیر عنوان (افغانستان تلویحا از ایران خواست لشکر فاطمیون را منحل کند.) آتش دیگری تمام وجودم را شعله ور ساخت و آن این بود! در بخشی از این خبر چنین می خوانیم: [[به گفته آقای مجاهد، سربازان افغان مقیم ایران در حالی برای جنگ به سوریه اعزام می شوند که خود افغانستانی ها به آنها "طعنه" می زنند که چرا برای "رژیم اسد یا ایران می جنگند"]] متن مکمل این خبر بی. بی. سی. را می توانید با کلیک بر این لینک خود مطالعه فرمائید:

<http://www.bbc.com/persian/afghanistan-۴۲۵۹۵۴۲۶>

ملاحظه می کنید که بی. بی. سی. با وجود یک کندک افغان هایی که در خدمت خود دارد، نام افتخار آمیز (افغان) را به امر آمرین ایرانی بی. بی. سی. (افغانستانی) می نویسد که استعمال آن جرم است و بی حرمتی به هویت ملی افغانستان. مثل اینکه ما در این جمله به عوض ایرانی (ایرانستانی) بنویسیم.

درست شش سال قبل این اسم جعلی افغانستانی را که ایرانی ها برای توهین ما ساخته اند از دهن یک روزنامه نگار تلویزیون آریانای جناب بیات شنیدم و فوراً مضمونی زیر عنوان (استعمال لفظ افغانستانی از لوسپیگر تلویزیون آریانا) نوشتم که می توانید آنرا به کمک لینک آتی بخوانید:

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/walinouri_estemal_afghanestani_az_lautspiker_tv_ariana_۲.pdf

نتیجه این نوشته بسیار مؤثر واقع شد زیرا آن ژورنالیست افغان از تلویزیون آریانا کنار رفت و از آن روز بعد این اسم نامأنوس و فتنه انگیز (افغانستانی) را دیگر در آن تلویزیون نشنیدم.

ولی من از شما فرزندان فریب خورده افغان ناخلف این خطه به شمول "مجیب الرحمن رحیمی" سخنگوی رئیس اجرائیه حکومت وحدت ملی و "لطیف پدram" و حفیظ منصور" و کیلان ضد افغانیت و افغانستان در ولسی جرگه، فهیم ادا [پرچمی های شناخته شده] سوالی دارم که اگر (افغان) نیستید، چرا از امتیازات افغانستان استفاده می کنید؟ بیشتر از آنچه دارید چه می خواهید؟ و چرا به کشور هایی که علاقمند هستید نمی روید! دروازه ها به روی تان باز است، ما را درس هویت و هویت ملی ندهید. معلوم است که آن کشور ها شما را قبول ندارند و الی میدانم که لحظه درنگ نمی کنید شاید ایران و یا تاجکستان و ازبکستان و جا های دیگر اصلاً برای چند روی هم به شما ویزه رفت و برگشت هم ندهند. خلاصه تبلیغ زهر آگین نکنید و با این کلمات مستهجن و دور از شرافت باشندگان افغانستان گوش ها و قلوب مردم شریف و اصیل افغانستان را تخریش نکنید.

بالاخره باید بیدار شوید و از خود سوال کنید که شما کی هستید و چی هستید؟ که از هویت افغان بودن ننگ دارید.

من این شعر عالی، ملی و میهنی را که از طبع رسای یکی از عاشقان افغان و افغانستان رقم شده است، جهت بیداری شما که راه ایران و ترکستان را در پیش گرفته اید، به شما اهداء می کنم تا به سوال های این شاعر درد ها و نواها، شاعر فصل ها و دوستی و نزدیکی اقوام عزیز افغانستان جواب بدهید!! که شما وقتی ادعا دارید که افغان نیستید پس کی هستید؟؟؟ و از مطالعه این شعر آموزنده، عشق میهن و وطن پرستی را بیاموزید و از حرف ها و گفته های متعفن تان بس کنید:

گر نه ای "افغان" بگو پس کیستی

با تمام شوکت و شان زیستی ای که در ادوار و اقران زیستی
در تخار و بلخ و بامیان زیستی هم چو لعلی در بدخشان زیستی

گر نه ای "افغان" بگو پس کیستی

نام "افغان" جمله سر تا پای تست

ملک "افغان" مسکن بابای تست

در حواشی رفتنت رسوای تست

اوزبک و تاجیک همه همتای تست

گر نه ای "افغان" بگو پس کیستی

در مکارم استوار و پای بند

بوده مردانت همیشه سر بلند

در قبال دشمنی ها زورمند

در رشادت پیش تاز و بهره مند

گر نه ای "افغان" بگو پس کیستی

باعث عز و وقارت بوده است

نام "افغان" افتخارت بوده است

این همه دار و ندارت بوده است

سرفرازی در دیارت بوده است

گر نه ای "افغان" بگو پس کیستی

از این دختر آزاده افغان "لینا روزبه حیدری" شاعر درد ها و آلام، شاعر دوستی و محبت، شاعر پیوند ها و نزدیکی ها بیاموزید که چه فریاد می زند:

من افغانم

من نه تاجیکم نه پشتون، نه هزاره، نه ز ترکم

نه ز ازبک، نه بلوچم، نی ز ایماق سترگم

من به مذهب نه ز سنی، نه ز شیعه، نه ز سیکم

نه دو رنگم، نه دروغم، نه فسادم، نه شریکم

نه شمالی، نه جنوبی، نه ز غربم، نه ز شرقم

نی ز کوی فتنه پیشان، نه پی تشویق فرقم

نه به فکر جنگ لفظم، نه به فکر تهمت و شر

نه زر اندوزم، نه نوکر، نه کلاه فتنه بر سر

خطه ام افغان ستانست، خاک آن از من سراسر

ما همه افغان و افغان سر بر سر با هم برابر

رود و دریایت خروشان، کوهسارت با جلالند

فصل هایت بی نظیر و مردمانت با کمالند

پاک بادا خطه من از کف شر و شرارت

مرده بادا هرکه بُردست صلح میهن را بغارت

خاک بادا بر دو چشمی کو ندارد تاب دیدن

دست مایان را چو زنجیر، متحد، با هم پریدن

مرگ بر خصمت همیشه، شاد زی بی درد ماتم

دور بادا از وجودت تکه های راکت و بم

سبز بادا، سبز بادا، نام تو بر جسم و جانم

زنده بادا، زنده بادا، کشورم، "افغانستانم"

از شما راه گم کرده ها خواهش می کنم مضامین و مطالب نشر شده در وبسایت ملی آریانا افغانستان آنلاین را که همه در همین مورد از قلم به داستان دانشمند، عالم به امور افغانستان و افغان و هویت ملی، نشر شده است، بخوانید و به لحاظ خدا و وطن بیدار شوید و در دام فتنه دشمنان افغانستان نیافتید.

از این شعر عالی مرتبت جناب معتصم بالله "خلیلی" فرزند استاد قلم، ادیب و شاعر نامدار افغانستان مرحوم جنت مکان حضرت استاد خلیل الله (خلیلی افغان) وطن پرستی و عشق به خاک و میهن را باید آموخت:

وحدت ملی

پشتون بود چو قلبم تاجیک هست جانم

چشمم هزاره باشد از یک همه توانم

از مشرقیست خاکم و ز قندهار جسمم

روح مزار اشرف از پکتیا روانم

بازوی من شمالیست تخار تاج فرقم

هم مردم هر اتند چون خون در رگانم

یک کیش و دین و مذهب تبعیض در زبان نیست

مغرور همنوایی است تاریخ باستانم

رنگ و نژاد و فرقه در بین ما نباشد

یک ملتیم و آیین این فخر در جهانم

و از این هم پیشتر بروید و عشق خاک آبائی و وطن پرستی را از قبله امجد معتصم بالله خلیلی، خداوندگار شعر و ادب و علم و دانش قرن بیست در افغانستان و منطقه، جنت مکان استاد استادان خلیل الله خلیلی بیاموزید که چه با احساس و با درد می سراید:

وطن! می پرستم

هان ای وطن می پرس، چرا می پرستم

داند خدا که بعد خدا، می پرستم

چون برتری زجان، همه جا می پرستم

ذرات هستی ام ز تو بگرفته است جان

در نیمه شب که باز کند آسمان درش
 چون پر شکسته مرغ که از آشیان جداست
 پیری نمود قامت از بار درد خم
 از شوق کوچه های گل آلود تنگ تو
 از یاد رُود های کف آلود نعره زن
 از یاد آن فضای فروزان نور بار
 از یاد مرغ های فلک تاز در هوا
 از یاد آن چنار کهن سال (۲) سبز پوش
 چون بوی گل به یاد تو ام می برد به باغ
 هر جا که مطربی کند از شوق نغمه سر
 با آن همه مصیبت و زندان که دیده ام
 ثروت مدار شهر سزاوار ذکر نیست
 ارباب جاه در خور تعظیم نیستند
 از یاد کشتگان به خون غرق گشته ات
 از یاد آن که بر لب شمشیر آبدار
 از یاد سنگری که سر افراز مردمان
 در تنگنای زندگی و خوابگاه قبر
 هم با صریر خامه و هم با زبان دل
 با صد هزار دست دعا می پرستمت
 اینک ز آشیانه، جدا می پرستمت
 زاری کنان به قد دوتا می پرستمت
 در شهر شاخ زن به سما (۱) می پرستمت
 دیوانه ام، به شور و صدا می پرستمت
 در زیر این گرفته فضا می پرستمت
 با مرغ آرزو، به هوا می پرستمت
 در پیش برگ برگ جدا می پرستمت
 بالرزش نسیم صبا می پرستمت
 در پرده پرده ساز و نوا می پرستمت
 با گونه گونه جور و جفا می پرستمت
 از بهر آن یتیم گدا می پرستمت
 از یاد قوم برهنه پا می پرستمت
 در خون و اشک کرده شنا می پرستمت
 صد بوسه داده، روز وفا می پرستمت
 با خون خویش کرده بنا می پرستمت
 در عالم فنا و بقا می پرستمت
 هم آشکار ، هم به خفا می پرستمت

** * **

ای جوانان گم راه که هویت افغان تان را جعلی می دانید از این خواب سیاه بیدار شوید و باز هم به لحاظ خدا و وطن
 بیایید این شعاری را که هشتاد سال پیش شاعر نابینای کشور ما مرحوم "باقی قایلزاده" که از هموطنان تشیع ماست و
 با چه احساس سروده است، بخوانید و با دل و جان به آن عمل کنیم:

پشتون و تاجک و قزل و ازبک و مغل

این اسم ها ز دفتر ملی روان کشید

فقط به نام ملت افغان ستان، همه

آئید جمع و مطلب خود شادمان کشید

سبز بادا، سبز بادا، نام تو بر جسم و جانم * * * * * **زنده بادا، زنده بادا، کشورم، "افغانستان"**
* با شنیدن این کلیپ زیبا هم، بسیار می آموزید و وطن پرستی و ملیت پروری و حرمت خاک
نیاکان تان را از این دختر های نازنین هزاره ما یاد بگیرید. (دختر های نازنین گفتم چون من پیر
سالخورده (۸۵ ساله) مثل پدر و پدر کلان شان هستم ولی برای شما جوانان میگویم از خواهران
نازنین هزاره تان بیاموزید.

برای شنیدن دکمه کنترول را گرفته بالای لینک آبی: من نه تاجیکم نه پشتون، نه هزاره، نه ترکم کلیک کنید!

همچنین باید اضافه کنم و از شما جوانان افغان التجا نمایم که از رفتن به سایت های جاسوسی ایران
و پاکستان در انترنت اجتناب نمایند زیرا این دو همسایه، دشمن افغانستان هستند که به این نوع
لاطائلات دامن می زنند و به نام پشتون به تاجک توهین می کنند و به نام تاجک و هزاره و ازبک
و غیره به پشتون. تعداد این نوع صفحات قرار معلومات به دست آمده تنها توسط پاکستان از ۱۵۰۰
تجاوز می کند که یقیناً تاراج گران تاریخ یا همسایه غربی از این هم بیشتر دارد، که هر دو بر شما
جوانان معصوم زهر پاشی می کنند و شما را به این بیراهه ها و ویرانه ها می برند که حتی از هویت
تان منکر شوید.

ای ناخدا برای خدا هوشیار باش
کاین کشتی قضاء زده در اختیار توست
هر خائنی که نیست وفادار مملکت
شیرین وطن بدان که سرش باب دار توست

"حیدر داور"

ادامه دارد